



(مقاله پژوهشی)

تحلیل محتوای قیاسی رابطه دینداری و عدالت اجتماعی در نهج البلاغه

معصومه زبوری^۱، هادی نوری^{۲*}، محمدرضا غلامی^۳، ابراهیم قاسمی روشن^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۰

(از ص ۴۱ تا ۶۰)

چکیده

پرسش مقاله حاضر این است که کدام نوع دینداری و عدالت اجتماعی در نهج البلاغه به عنوان منبع اصلی اندیشه علی(ع) تبلور یافته است؟ روش پژوهش تحلیل محتوای قیاسی یا جهت‌دار است که در آن متغیرهای دینداری و عدالت اجتماعی بر مبنای نظریه‌های بینگر و راسینسکی تعریف عملیاتی شدند. دینداری بر اساس سه مقوله ستیزنده، پذیرنده و گریزنده تعریف شد که برای هر کدام یک کد به ترتیب واکنش رادیکال، برادری و رفاقت، و آخرت‌گرایی استخراج شد. عدالت اجتماعی به سه مقوله سوسیالیستی، لیبرالیستی و ترکیبی تقسیم گردید که برای هر کدام یک کد به ترتیب برابری، شایستگی فردی و انصاف مشخص گردید. از میان خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه تعداد ۷۷ عبارت شامل ۳۷ مورد مرتبط با دینداری و ۴۰ مورد مرتبط با عدالت استخراج شد تا مطابق مفاهیم و مقولات نظری رمزگذاری شوند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دینداری گریزنده با ۲۰ مورد از بیشترین فراوانی در نهج البلاغه برخوردار است و در مرتبه بعد دینداری پذیرنده با ۱۱ مورد و دینداری ستیزنده با ۶ مورد قرار دارند که نشان می‌دهد نگرش امام علی به دین از تفکر رادیکال فاصله دارد. همچنین عدالت تلفیقی با ۱۷ مورد و عدالت لیبرالیستی با ۱۴ مورد به ترتیب دارای بیشترین فراوانی هستند و عدالت سوسیالیستی با ۹ مورد در مرتبه سوم قرار دارد. بدین ترتیب، دیدگاه علی(ع) نسبت به دینداری و عدالت اجتماعی با هم هماهنگ است از این جهت که با دور شدن از تفکرات رادیکال مذهبی و سیاست‌های یک‌جانبه لیبرالیستی و سوسیالیستی در جهت توازن زندگی این جهانی و آن جهانی حرکت می‌کند.

کلید واژه‌ها: عدالت اجتماعی، نهج البلاغه، دینداری، امام علی(ع)، تحلیل محتوا.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

۳. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

۴. استادیار گروه معارف و الهیات دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه

دینداری عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد، اطلاق می‌شود. نظام عملی مبتنی بر باورها که در ابعاد فردی و اجتماعی، از جانب پروردگار، برای هدایت انسان‌ها در مسیر رشد و کمال الهی ارسال شده و شامل باورها، نگرش‌ها و رفتارهایی است که با هم پیوند داشته و احساس جامعیت را برای فرد تدارک می‌بینند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۶). در سمت دیگر، عدالت اساسی‌ترین خواسته تمامی انسان‌ها در طول تاریخ بوده است؛ به عقیده بسیاری از اندیشمندان در میان فضیلت‌های اخلاقی، عدالت بنیادی‌ترین آنهاست که قوام زندگی صلح‌آمیز و توأم با سعادت انسان‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد (غنی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱). از آن‌جا که عدالت یک امر انتزاعی و ارزشی است و در بیشتر مواقع مصادیق و دلالت‌های خاص خود را پیدا می‌کند، می‌توان انتظار داشت که برداشت‌های متفاوتی از آن وجود داشته باشد. چنان‌که در مکتب سیاسی لیبرالیسم عدالت تحت‌الشعاع آزادی قرار می‌گیرد و در مکتب دیگر مانند سوسیالیسم، عدالت بر آزادی ارجحیت دارد یا در مکتب لیبرال‌دموکراسی، عدالت به‌عنوان آمیزه‌ای از برابری و آزادی مطرح می‌شود (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۴۴).

۱-۱. بیان مسأله

عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آرمان‌های بشری و اساسی‌ترین مفهوم در حقوق انسانی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته و همواره سنتی‌ترین گزاره محل بحث در حوزه سیاست و اجتماع بوده است. در دوران یونان باستان، مدینه فاضله افلاطون وقتی شکل می‌گیرد که حاکم آن استقرار عدالت را مهم‌ترین و ارزشمندترین کار بداند و خود را وقف خدمت به عدالت کند تا جامعه براساس معیارها و ترازهای عدل سامان یابد (کویره، ۱۳۶۰: ۸۰). ارسطو نیز در کتاب سیاست خود می‌گوید: «حکومت‌هایی که خیر و صلاح عموم را در نظر دارند، بر طبق موازین عدل مطلق، بنیاد درست یافته‌اند و حال آن‌که حکومت‌هایی که فقط نفع فرمانروایان را می‌جویند، نادرست و منحرف‌اند» (ارسطو، ۱۳۹۳: ۱۱۸). از ابتدای دوره مدرنیته هر چند که عدالت اجتماعی محوریت خود را در فلسفه سیاسی از دست داد، اما همچنان یکی از مباحث مهم در فلسفه سیاسی مدرنیته از جمله در نزد مارکس و انگلس باقی ماند و در قرن بیستم نیز با نظریه جان رالز (۱۳۸۳) به کانون مباحث فلسفه سیاسی تبدیل شد.

امروزه احساس عدالت یکی از شاخص‌های اصلی رفاه محسوب می‌شود و باور بر این است که تحقق عدالت اجتماعی منوط به برداشته‌شدن موانعی چون توجه به جنسیت، سن، نژاد، قومیت، فرهنگ است. چنین شرایطی باعث شد تا مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۰۰۷ میلادی، ۲۰ فوریه را به‌عنوان «روز جهانی عدالت اجتماعی» معرفی کند و از کشورهای عضو بخواهد تا در ریشه‌کن کردن فقر، ارتقای اشتغال کامل و کار مناسب، برابری جنسیتی و دسترسی به رفاه اجتماعی و عدالت تلاش کنند.

احساس بی‌عدالتی منجر به نارضایتی، عدم هم‌کاری، درگیری، ناآرامی‌های مدنی و جنگ می‌شود. در این خصوص، ادیان نقش قدرت‌مندی در شکل‌دهی عقاید مربوط به عدالت اجتماعی یا واکنش به درک بی‌عدالتی، به‌عنوان اراده خداوند و نشان لیاقت اخلاقی، یا مخالفت با آن‌ها ایفا می‌کنند. یکی از دلایل

نقش قدرتمند ادیان در تاریخ این است که آن‌ها اغلب حامل الگوهای بارزی از معنا، نماد، داستان‌ها، و چشم‌اندازها هستند که عامل شکل‌دهی به هویت مردم هستند و با ایجاد قواعد اخلاقی و رفتاری به مشکلات بی‌عدالتی و رنج واکنش نشان می‌دهند. از آن‌جا که ادیان اغلب در سطوح عمیق و ناخودآگاه عمل می‌کنند، مردم اغلب از تاثیر نمادهای دینی، الگوهای فکری و هویتی بر روی ارزش‌ها، انتخاب‌ها و رفتارها بی‌اطلاع هستند. با این حال، آماده مردن به منظور دفاع یا حفظ این نمادها، معانی و نظام‌های هویت هستند (Mische, 2007: 2).

با توجه به اهمیت مذهب در بسیاری از جوامع، برقراری عدالت اجتماعی بدون استفاده از دین، نمادها و معانی آن‌ها برای مردم و نیز قدرت شبکه‌های آن دشوار خواهد بود. تا آن حد که ادیان بخشی از این مشکل هستند، بخشی از راه‌حل آن نیز هستند. نیاز به حل این مشکلات مستلزم میزان معینی از هماهنگی اجتماعی است که به نوبه خود منجر به احکام و الزامات اخلاقی، و در نتیجه معنای عدالت یا بی‌عدالتی است. نیاز به عدالت و هماهنگی اجتماعی در بین همه مردم و جوامع عمومیت دارد. با این حال، این‌که جوامع مختلف چگونه خودشان را برای حل این مشکلات هماهنگ می‌کنند و یا سازمان می‌دهند با گوناگونی‌های وسیعی همراه است. در عوض، این گوناگونی‌ها به تنوع در قواعد و مفاهیم اخلاقی، و ادراکات عدالت و بی‌عدالتی منجر می‌شوند. درک بی‌عدالتی ممکن است با توجه به نوع قواعد اخلاقی و نیز نظام اجتماعی و اقتصادی متفاوت باشد. تغییر ادراکات عدالت اجتماعی در نظام‌های اجتماعی متفاوت یا در حال تغییر، به پتانسیل تعارض در جامعه کمک می‌کند (Mische, 2007: 3).

بر این اساس، عدالت مفهومی برساختی است که توسط افراد جامعه ساخته می‌شود و درک آن بستگی به اجتماع، ارزش‌ها، هنجارها و عوامل به‌وجود آورنده آن دارد، و همواره با دگرگونی ارزش‌ها، درک ما از مفهوم عدالت نیز دگرگون می‌شود (ناقد، ۱۳۸۶: ۵). همان‌گونه که برداشت از عدالت براساس نظام ارزشی حاکم بر اندیشه افراد شکل می‌گیرد دین و دینداری هم به‌عنوان یک نظام ارزشی غالب در جامعه می‌تواند یکی از عوامل موثر بر نگرش افراد نسبت به عدالت باشد، به‌گونه‌ای که حتی برخی افراد برداشت خاصی از عدالت یعنی برابری طلبی را برخاسته از اندیشه‌های دینی می‌دانند (تیندر، ۱۳۷۴: ۵۷). با توجه به این امر می‌توان گفت که همه افراد از جمله مسلمانان متناسب با تفسیرشان از دین، معیارهایی برای عدالت پیشنهاد می‌کنند و آن معیارها را اصول اجرای عدالت می‌دانند.

مقاله حاضر به‌دنبال بررسی رابطه میان این دو متغیر مهم در گفتارهای علی(ع) است که برای شیعیان در حکم مرجع فکری قرار دارد. در دیدگاه علی(ع) به‌عنوان امام اول شیعه، هیچ چیز جایگاه و اهمیتی برابر با عدالت ندارد و به‌صراحت می‌گوید: «همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا مانند «امر به معروف و نهی از منکر» چون آب دهانی است در برابر دریای ژرف و مواج ... و برتر از همه این‌ها سخن عدالت است که مقابل حاکمی ستمگر گویند» (حکمت/۳۷۴). از نظر او، «عدالت، محکم‌ترین بنیاد است» (خوانساری، ۱/۱۳۸۷: ۲۱۶) و «برپادارنده مردمان، مایه دوری آنان از ستم‌ها و گناهان، و روشنی چراغ اسلام» (همان/۳: ۳۷۴). علت این جایگاه عدالت در اندیشه علی(ع) به تلقی و تعریف ایشان از عدالت

برمی‌گردد آن‌جا که می‌گوید: «عدالت این است که هرکس در هر چیز در جای خود قرار گیرد، و این قرارگرفتن، براساس شایستگی‌ها باشد، تا راه راست و موفقیت و رستگاری رخ نماید» (خطبه/۱۴۷). با این همه، عدالت زمینه و ملازماتی دارد که بدون لحاظ آن‌ها قابلیت تحقق نمی‌یابد، به ضد خود تبدیل می‌شود، یا صورتی از عدالت مطرح می‌گردد که تحت لوای آن بی‌عدالتی اعمال می‌شود. مفهوم همتای عدالت در اندیشه علی(ع) دین و دینداری است چنان‌که می‌گوید: «با نابودکردن دینت، دنیای خودت را آباد مکن که از زیان‌کارترین افراد خواهی بود» (نامه/۴۳) یا گلایه می‌کند از کسانی که برای رسیدن به دنیا، دین خود را حراج می‌کردند (حکمت/۲۲۸). با این همه، دین منهای عدالت هم تنها در حد سخن باقی می‌ماند و زمینه تحقق نمی‌یابد؛ زیرا در صورت بی‌عدالتی حقوق و حدود زیر پا گذاشته می‌شود، و هیچ چیز به سامان نخواهد ماند. علی(ع) در اهمیت عدالت تا آن‌جا پیش می‌رود که همه چیز حتی دین را در گرو عدالت می‌بیند: «عدالت، سرآمد ایمان، و گردآورنده نیکی‌هاست» (خوانساری، همان/۲: ۳۰).

براساس بینش نظری مذکور از رابطه دینداری و عدالت اجتماعی، دیدگاه علی(ع) از جایگاه عدالت و با توجه به نقش تعیین‌کننده امام اول شیعیان در جامعه ایرانی زمان معاصر، پرسش پژوهش حاضر این است که چه نوع از دینداری و کدام نوع از عدالت اجتماعی در گفتارهای علی(ع) تبلور یافته است؟ آیا بین نوع دینداری و عدالت اجتماعی در اندیشه ایشان ارتباطی وجود دارد؟ و در صورت صحت، این ارتباط از چه نوع می‌باشد؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های زیادی درباره مقوله‌های دین و عدالت در نهج‌البلاغه از سوی محققان مختلف در قالب مقالات، کتب، سخنرانی و رساله‌های آموزشی انجام شده است که با وجود پرداختن به بخش‌هایی از ابعاد عدالت اجتماعی کمتر با روش نو و به شیوه دقیق آن مورد کاوش علمی قرار داده‌اند. ثریا معمار در مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم عدالت از دیدگاه حضرت علی(ع)» (۱۳۹۳) با روش تحلیل محتوای کیفی نشان می‌دهد مفهوم عدالت، کلیدی‌ترین و با ارزش‌ترین مفهوم در نظام فکری و رویه سیاسی اجتماعی ایشان است. ابوالفضل ذوالفقاری و زهرا حسن زمانی در مقاله «بررسی رابطه نوع دینداری با نگرش به عدالت اجتماعی» (۱۳۹۳) با روش تحقیق پیمایش و تکنیک پرسشنامه به بررسی این سوال پرداخته‌اند که آیا می‌توان نگرش متفاوت افراد نسبت به عدالت اجتماعی را مرتبط با نوع دینداری آن‌ها دانست؟. مقاله «عدالت محاسبه‌گر در نهج‌البلاغه» (۱۳۹۶) از فاطمه نوری و کیومرث کلاتتری با روش اسنادی و تحلیل محتوا به بررسی معیارهای سنجش خطر جرم و چگونگی مدیریت آن از دیدگاه علی(ع) می‌پردازد. مریم نعمت‌پور در پایان‌نامه «مطالعه تطبیقی نظریه عدالت اقتصادی امام علی(ع) و رالز و ارزیابی این دو رویکرد در مقابله با فقر» (۱۳۹۱) اندیشه عدالت امام علی(ع) را در بستر نظریه رالز مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که برقراری عدالت ناشی از خردجمعی است که رویکرد دینی نیز آن را تأیید می‌کند. علی اصغر احمدی در کتاب *عدالت اجتماعی در نهج‌البلاغه*

(۱۳۹۱) به بررسی ابعاد سیاسی، اقتصادی و حقوقی عدالت اجتماعی از منظر امام علی(ع) و در مقاله «عدالت اجتماعی در نهج‌البلاغه: زمینه‌ها، موانع و دستاوردها» (۱۳۹۰) به چگونگی بهره‌مندی همه مردم از امکانات عمومی در قالب بیان «زمینه‌ها»، «موانع» و «دستاوردهای» عدالت اجتماعی با نگاه محوری به نهج‌البلاغه می‌پردازد. علی‌اصغر پورعزت در پژوهش خود با عنوان «طراحی و تبیین سیستم خطمشی‌گذاری حق‌مداری برای تحقق عدالت اجتماعی براساس نهج‌البلاغه» (۱۳۸۵) نظام منطقی با پنج اصل و نوزده قضیه معرفی می‌کند و از نمودارهای جریان خطمشی‌گذاری، برای طراحی یک سیستم قابل اجرا در وضعیت موجود جوامع انسانی استفاده می‌کند. قربان علمی در مقاله «عدالت اجتماعی در نهج‌البلاغه» (۱۳۹۴) به بررسی عدالت اجتماعی در گفته‌ها و اعمال امام علی(ع) می‌پردازد. علی خوانساری در پایان‌نامه «مطالعه تطبیقی عدالت در نهج‌البلاغه و اندیشه جان رالز» (۱۳۹۴) با بررسی توصیفی تحلیلی در جستجوی نقاط اشتراکی و افتراق برمی‌آید. هم‌چنین آر. ای. الدریدج (۲۰۰۶) طی پژوهشی روی بزرگسالان دریافت که باورهای دینی، باورهای عدالت اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند. باورهای عشق به دیگران، جهت‌گیری دینی درونی، در گروه پروتستان‌ها عدالت اجتماعی را پیش‌بینی می‌کرد و در سایر افراد جهت‌گیری درونی، باورهای جهت‌دهنده گناه و عشق به دیگران باورهای عدالت اجتماعی را پیش‌بینی می‌کرد.

مقاله حاضر نسبت به دیگر پژوهش‌های صورت‌گرفته از این جهت متمایز است که متن نهج‌البلاغه را به روش تحلیل محتوای قیاسی یا جهت‌دار بررسی می‌کند و این بررسی شامل تحلیل هم‌زمان دو متغیر عدالت و دینداری است که در آثار دیگر یا با این روش مورد بررسی قرار نگرفته و یا صرفاً بر یکی از دو مقوله تمرکز داشته‌اند. در مواردی هم که مانند نوری و کلانتری به تحلیل محتوا پرداخته‌اند از روش استقرایی استفاده شده است. در این پژوهش هر کدام از دو متغیر دینداری و عدالت اجتماعی به سه مقوله تقسیم شده و برای هر مقوله یک کد نظری تعریف شده که عبارات مرتبط در متن نهج‌البلاغه بر اساس آن‌ها رمزگذاری می‌شوند. بدین ترتیب، نوع دینداری و عدالت اجتماعی علی(ع) به شکل درجه‌بندی شده تعیین می‌گردد.

۱-۳. ضرورت پژوهش

دین و مفهوم عدالت چنان درهم‌تنیده‌اند که دیگر نمی‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد. خداوند از ما می‌خواهد که از طریق عشق و رابطه درست با همسایگان خود به دنبال عدالت باشیم. بنابراین، وقتی مساله عدالت مطرح می‌شود، مردم همه احزاب مذهبی واکنش نشان می‌دهند (Gunn, 2010). عدالت بنیان تعاملات اجتماعی انسان تلقی می‌گردد. با این همه، عدالت همیشه به روشنی تعریف نمی‌شود. گاه استخراج قاعده‌ای برای توزیع چیزهای مطلوب در بین افراد جامعه است (Silver, 1989: 133) و گاه به معنای کاهش نابرابری‌ها و بازگشت برابری‌ها در عصری مواجه با نابرابری‌های عمیق در زمینه قدرت سیاسی، پایگاه اجتماعی و برخورداری از منابع اقتصادی (تقوایی و قنبری، ۱۳۸۵: ۹۹). عدالت اجتماعی تنها به برقراری برابری اقتصادی و طبقاتی اشاره ندارد، بلکه توجه به تفاوت‌های نژادی، قومی و جنسیتی نیز

بخشی مسائل مربوط به آن را تشکیل می‌دهد (صالحی‌امیری و رضایی، ۱۳۸۷: ۱۴). بدین ترتیب، یک ساختار اجتماعی مساوات‌طلبانه پیش‌شرط شمول همه شهروندان به‌عنوان مشارکت‌کنندگان موثر در زندگی است (Oneill, 2005: 121).

عدالت در دین اسلام جز اصول اساسی به‌شمار می‌رود. پیامبر اسلام و امامان شیعه همه در جهت برقراری عدالت تلاش نموده‌اند. در این میان، امام علی به‌عنوان کسی مطرح است که محور اصلی برنامه‌های حکومتش برقراری عدالت اجتماعی در مبنای‌ترین حوزه‌های اجتماعی می‌باشد. مقایسه سخنان علی(ع) درباره عدالت، به‌عنوان یک فلسفه اجتماعی با اراده جدی و عملی او در عرصه عینی حکومت و جامعه نشان می‌دهد که سخن او با عمل برابر است و نظریه عدالتش نه یک مدینه فاضله اتوپیایی و نظریه‌پردازی صرف، بلکه در عینیت جامعه پیاده شده است. بازکاوی چگونگی حاکمیت سیاسی و رویه اجتماعی علی(ع) در کتاب *نهج‌البلاغه* به‌عنوان تقریرات امام اول شیعیان هم نحوه مواجهه ایشان با جریان‌ها، گزاره‌ها و مسایل اجتماعی را نشان می‌دهد که می‌تواند الگوی جامعه شیعی کنونی ایران باشد و هم مخزن گران‌بهای شناخت مفهوم عدالت است برای عصری که گرفتار نابرابری‌های ساختاری است و در پی ترسیم الگوی نظری مناسب جهت تعدیل آن‌ها.

با توجه به تلازم مذکور دین و عدالت، و این بینش نظری که نوع دینداری افراد بر نگرش آن‌ها در مورد چگونگی توزیع منابع کمیاب موثر است، بررسی رابطه دینداری و عدالت اجتماعی در اندیشه کسی ضرورت می‌یابد که سیاست اصلی حکومت خویش را بر مبنای عدالت اجتماعی، اقتصادی و احیای ارزش‌های دینی و اخلاقی توضیح می‌دهد (درخشه، ۱۳۹۱: ۴۵).

۱-۴. چارچوب نظری

بر اساس هدف پژوهش حاضر که توصیف نظام‌مند وضعیت دینداری و عدالت اجتماعی در کتاب *نهج‌البلاغه* با روش تحلیل محتوای قیاسی یا جهت‌دار است ضرورت داشتن دیدگاه نظری توجیه می‌یابد تا از درون آن‌ها به مقولات و کدهای نظری جهت رمزگذاری عبارات متن *نهج‌البلاغه* دست یابیم. بدین ترتیب، ابتدا دیدگاه‌های موجود و مرتبط به انواع دینداری و عدالت اجتماعی معرفی می‌گردند و سپس چارچوب نظری مقاله حاضر جهت انجام تحلیل محتوای قیاسی معرفی می‌گردد.

۱-۴-۱. دینداری

از لحاظ واژه‌شناسی، دینداری صفت مفهوم دین و از این نظر نسبی است؛ یعنی نمی‌توان مصداق قطعی برای آن معلوم کرد و بین دو وضعیت حداقلی و حداکثری جای می‌گیرد. از لحاظ منطقی، رابطه این دو واژه به نوعی رابطه مفهوم و مصداق است. دین یک مفهوم کلی و دینداری مصداق و جلوه‌ای از آن است. دینداری که واحد مشاهده آن در اصل افراد هستند، تلاش‌های فردی برای درک آن چشمه فیاض و قدسی است. بنابراین، دینداری وابستگی به دین دارد و فرد دیندار، با درجات یا از جهات متفاوت می‌کوشد، خود را با منبع فیاض دین هم‌ذات گرداند و بر این اساس، میزان و جهت هم‌ذات‌انگاری فرد با دین مورد نظر وی، دینداری او را روشن می‌سازد (میرسندسی، ۱۳۸۳: ۶۱-۵۹).

دینداری افراد و گروه‌های متفاوت در اندیشه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر به شیوه‌های گوناگون مورد تأمل قرار گرفته است (گنجی، ۱۳۸۳: ۱۰۱). برخی نظریه‌پردازان تعریف خود را از دین موکول به شناخت ابعاد دین می‌کنند. برای نمونه، اگوست کنت به ابعاد سه‌گانه دین، یعنی «عقاید»، «عواطف» و «عمل» بر حسب ابعاد وجودی انسان اشاره کرده است (آرون، ۱۳۷۰: ۱۱۶). امیل دورکیم از دو بعد مناسکی و عقیدتی در آثار متقدم و متأخرش سخن می‌گوید (دورکیم، ۱۳۸۲: ۴۸). واخ با افزودن بعد «معاشرت» به آن دو بعد عقیدتی و مناسکی به الگوی سه‌گانه دینداری اذعان کرده است (شجاعی‌زند، ۱۳۹۱: ۳۹).

لنسکی از نخستین افرادی است که الگوی دینداری خود را در قالب سنجش ابعاد و شاخص‌های دینداری در اوایل دهه ۱۹۶۰ ارائه کرده است وی برای سنجش این تأثیرگذاری، مهمترین جنبه‌های دینداری، یعنی «جهت‌گیری دینی» و «میزان درگیربودن با گروه‌های دینی» را مورد بررسی قرار داده است. لنسکی با استفاده از رویکردهای اجتماعی و شخصی، بیرونی و درونی، چهار بعد مشارکتی، معاشرتی، راست‌کیشی و عبودتی برای دینداری تعریف می‌کند (Lenski, 1961: 25).

برخی دیگر مطالعه دینداری را در دو سطح مرکزی شامل عقاید، مناسک، باورها و تجربه دینی و پیرامونی پیرامونی شامل انواع دیندارها انجام می‌دهند. این دو سطح توسط آلپورت در سال ۱۹۵۰ به شکل جهت‌گیری دینی بررسی گردید. او جهت‌گیری دینی درونی و برونی را بیانگر دو شیوه متفاوت دینی‌بودن می‌داند. افراد دارای جهت‌گیری بیرونی از دین برای کسب اهداف خودشان به روشی ابزاری یا سودمندگرایانه استفاده می‌کنند. جهت‌گیری درونی می‌گوید افراد به این دلیل دینی هستند که برای خود دین ارزش قائل‌اند، و نیازهایشان در درجه دوم قرار دارد (Allport and Ross, 1967: 432-443).

اینگر فورست پس از تقسیم‌بندی جامعه به دو حوزه عمومی و خصوصی، پنج شکل از دینداری را در حوزه عمومی معرفی می‌کند؛ دین رسمی دولت، دین مدنی، ملی‌گرایی دینی، دین عامه، دین و قدرت سیاسی (فورست، ۱۳۹۰: ۱۵۳-۱۶۲).

چارلز گلاک و رادنی استارک با جمع‌بندی تعاریف پارسونز، بینگر، ناتینگهام و ویلیامز از دین تعریفی حاوی ابعاد «نمادی»، «اعتقادی»، «ارزشی» و «رفتاری» ارائه کردند (Glock and Stark, 1965: 4). البته طرح آن‌ها پنج‌بعدی شامل بعد «پیامد» هم بود. چهار بعد اول به‌طور گسترده در تحقیق مفید بوده‌اند، زیرا متمایز و ساده برای اندازه‌گیری هستند؛ با این حال، «پیامد» متغیری پیچیده‌تر و جداکردن آن دشوار بود که در نهایت از طرح حذف شد (Glock, 1972: 39, 1962: 98-110).

نوع‌شناسی انواع دینداری ویلیام شپرد بر اساس رابطه دین با مدرنیته است. هر چه دین با مدرنیته بیشتر انطباق یابد به سکولاریسم نزدیک‌تر می‌شود و بالعکس هرچه از مدرنیته دورتر شود، نوع دینداری سنتی‌تر می‌شود. شپرد پنج نوع نگرش به دین را در بین مسلمانان معرفی می‌کند:

- سکولاریسم؛ در شکل افراطی، خواهان حذف دین از تمامی عرصه‌های زندگی و در شکل رایج‌تر معتدل در پی تفکیک مذهب از سایر بخش‌های زندگی عمومی است.

- تجددگرایی اسلامی؛ بعد از سکولاریسم بیشترین نزدیکی را به مدرنیته دارد و انعطاف‌پذیری زیادی برای عقل و اجتهاد و میدان وسیعی برای نظریات انسانی قائل است. دین به تنهایی نمی‌تواند یک جامعه را اداره کند و نیازمند سایر علوم بشری نیز هست.
- اسلام‌گرایی رادیکال؛ در این نوع دینداری، اسلام به‌طور کامل ایدئولوژیک می‌شود. اسلام برای تمام ابعاد زندگی اجتماعی مردم برنامه دارد و حکومت باید اسلامی باشد. استفاده از عقل و اجتهاد را در مواردی می‌پذیرند که نص صریح و معتبر درباره آن‌ها وجود نداشته باشد.
- دینداری سنت‌گرایانه؛ سنت‌گرا کسی است که تعهد اعتقادی او مخلوطی از شریعت و غیرشریعت است و هم‌چنین از وارد کردن تنازع به قلمرو اعتقادی خود شدیداً دوری می‌کند.
- سنت‌گرایی جدید؛ نیاز به تکنولوژی جدید را می‌پذیرد اما تمایل بیشتری به گزینشی عمل کردن دارد و به تکنولوژی ارزش کارکردی نمی‌دهد (Shepard, 1987: 17).
- میلیتون یینگر با تأکید بر نقش دین در مشروعیت‌بخشی گروه‌های نسبتاً کوچک سعی در تبیین کارکرد دین در تقویت ارزش‌ها و قواعد اجتماعی دارد (Yinger, 1977: 68). یینگر معتقد است دینداری از دل نیازها اعضای خود ظهور می‌کند و همه فرقه‌ها با روش‌های گوناگون در پی برآوردن این نیازها هستند. لذا بر اساس سه پاسخ احتمالی آن‌ها به وضعیت نامطلوب می‌توان سه نوع دینداری معرفی کرد:
 - دینداری پذیرنده؛ وضعیت نامطلوب را می‌پذیرند اما مشکلات کلیدی جامعه مانند محرومیت‌ها ناشی از فقدان ایمان، خودخواهی و بی‌تفاوتی است. لذا کل جامعه و نظام آن را شر نمی‌دانند. در نتیجه، راه‌حل مشکلات اجتماعی تعمیق ایمان، برادری و رفاقت با انسان‌ها در قالب گروه‌های هم‌مشرک است.
 - دینداری ستیزنده؛ به‌شدت با وضعیت نامطلوب مخالفت می‌ورزند. آن‌ها راه ستیز با جامعه را در پیش می‌گیرند و با مخالفت سخت جامعه هم‌مواجه می‌شوند، چون جامعه آن‌ها را تهدیدی جدی برای خود می‌داند. راه‌حل آن‌ها برای مشکلات اجتماعی بازسازی و سامان‌بخشی دوباره و رادیکال جامعه است.
 - دینداری گریزنده؛ به‌دنبال دور شدن از وضعیت نامطلوب هستند. آن‌ها با تکیه بر آرزوی رسیدن به جهان اخروی و نیز با کاستن احساس محرومیت از راه تشکیل جماعتی از افراد هم‌فکر زندگی این‌جهانی را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند. آن‌ها از راه وعده‌دادن به یک نظم اجتماعی برتر و متعالی که در آینده محقق می‌شود، مشکلات اجتماعی را کم‌اهمیت و تحمل‌پذیر می‌کنند (Yinger, 1977: 42).

۱-۴-۲. عدالت اجتماعی

- موضوع عدالت اجتماعی در واقع بحث چگونگی تقسیم چیزهای خوب و بد در میان اعضای یک جامعه بشری است. عدالت اجتماعی در این پژوهش از دو منظر مورد بررسی قرار می‌گیرد. نخست، عماد افروغ عدالت اجتماعی را با تأکید بر عنصر ایدئولوژی به پنج رویکرد تقسیم می‌کند:
 - انطباق‌گرایی: عدلت به‌مفهوم نظم و موزونیت است. انطباق با وضع موجود بر پایه خلقت نابرابر انسان‌ها و آرایش طبقاتی و صنفی غالب، مبنای این رویکرد از عدالت است.

- مساوات‌طلبی: به دلیل باور به خلقت برابر انسان‌ها، ریشه بی‌عدالتی را در جامعه جست و جو می‌کند، نه در افراد. جامعه‌ای عادلانه است که به لحاظ تنعم از منابع کمیاب اقتصادی، همه با هم برابر باشند.

- شایسته‌گرایی: عدالت بر پایه انصاف، استحقاق یا شایستگی تعریف شده است. مساوات و سطح یکسان استاندارد زندگی معنا ندارد. هرکس برخوردار از چیزی باشد که در قواعد تعریف‌شده مستحق آن باشد.

- حق‌گرایی: رویکردی جامع که دربرگیرنده هم حقوق فردی مربوط به شایستگی‌ها است و هم برابری حقوق اجتماعی بدون فرو افتادن در ورطه طبیعت‌گرایی و خلقت نابرابر افراد.

- فایده‌گرایی: خیر کلی جامعه، از خیر یکایک اعضای آن تشکیل می‌شود. وضعیتی عادلانه است که در آن بیشترین رضایت خاطر برای بیشترین افراد و اعضای جامعه فراهم گردد (افروغ، ۱۳۸۷: ۲۳۹-۲۱۶).

- راسینسکی (Rasinski, 1987) از منطری دیگر به معرفی سه نوع نگرش نسبت به عدالت می‌پردازد:

- رویکرد سوسیالیستی: در زمینه توزیع امکانات و منابع خواهان مساوات‌طلبی افراد بدون در نظر گرفتن استعدادها و شایستگی‌های آن‌ها می‌باشد. رفع نیاز اصلی‌ترین کارکرد دولت است. چنانچه ویلدینگ می‌گوید منابع بهداشت، آموزش، مسکن یا درآمد باید بر اساس نیاز توزیع شود (واعظی، ۱۳۸۳: ۱۹۴).

- رویکرد لیبرالیستی: خواستار اصول تخصیص و توزیع مطابق با ارزش‌های فردگرایی و برحسب شایستگی‌های افراد است. آزادی ارزش بنیادین جامعه مطلوب است. لیبرال‌ها معتقد به برابری فرصت‌ها هستند.

- رویکرد ترکیبی (رالزی): رالز به دنبال وضعیتی اصلی است که در آن افراد برابر باشند و روال جاری تصمیم‌گیری منصفانه باشد. محصول این روند عدالت به مثابه انصاف (fairness) است. هیچ‌کس نباید کمتر از نظام تقسیم و توزیع برابر کالاهای اساسی به دست آورد و وقتی همکاری اجتماعی موجب پیشرفت کلی جامعه می‌شود، نابرابری‌های حاصل باید به نفع کسانی تمام شود که وضع‌شان کمتر از وضع دیگران در این روند بهبود یافته است (رالز، ۱۳۸۳: ۴۲). او در عین حال که بر برابری افراد در آزادی‌های بنیادین تأکید می‌کند نابرابری‌ها را با در نظر گرفتن خیر عمومی و رعایت شایسته‌سالاری و به شرطی که به زیان محرومان تمام نشود مجاز می‌شمارد.

در مجموع، چارچوب نظری مطالعه حاضر بر محور انواع دینداری بینگر و انواع عدالت اجتماعی راسینسکی استوار است. این دو نظریه به مبنای تحلیل محتوای قیاسی متن نهج البلاغه تبدیل می‌شوند.

۱-۵. روش پژوهش

تحقیق حاضر از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار یا قیاسی برای تحلیل اطلاعات گردآوری‌شده استفاده کرده است. تحلیل محتوای کیفی به دنبال ارائه نوعی توصیف و یا سنخ‌شناسی از معانی مستتر در یک متن است. بنابراین، از کلمات یا محتوای عینی متون فراتر می‌رود و با تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی، تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده می‌پردازد (Zhang and Wildemuth, 2007: 2).

براساس نظریه شی‌یه و شانون (2005) می‌توان رهیافت‌های موجود در زمینه تحلیل محتوا را به سه دسته تقسیم کرد: (۱) تحلیل محتوای عرفی و قراردادی^۱، (۲) تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی^۲، (۳) تحلیل محتوای جهت‌دار^۳. زمانی که نظریه یا تحقیقات موجود درباره یک پدیده کامل نیستند یا به توصیف‌های بیشتری نیازمندند از محتوای جهت‌دار یا قیاسی استفاده می‌شود. هدف آزمون نظریه‌های پیشین، معتبر ساختن یا گسترش مفهومی چارچوب نظریه در یک زمینه متفاوت است. در این حالت، نظریه موجود به طرح رمزگذاری اولیه و ارتباط بین رموزها کمک می‌کند (Potter and Donnerstein, 1999: 258). این فرایند به ما کمک می‌کند تا به تعریف عملیاتی مفاهیم موردنظر دست پیدا کنیم. تعریف عملیاتی، مقولات موردنیاز پژوهش را فراهم می‌آورد. مقولات اصلی معرف موضوع مطالعه از تعریف عملیاتی، استخراج شده و در یک جدول قرار می‌گیرند (بی، ۱۳۸۱: ۶۵۷؛ 10: Mayring, 2000). بنابراین، فرایند تحلیل محتوای قیاسی در مقاله حاضر طی مراحل زیر انجام شده است: (۱) تنظیم پرسش‌ها؛ این پرسش مطرح شد که نگرش به عدالت و دینداری از منظر نهج‌البلاغه در کدام طیف از مؤلفه‌های عدالت و دینداری قرار می‌گیرند؟ (۲) انتخاب نمونه: پس از بررسی کلیه خطبه‌ها و نامه‌های موجود در متن نهج‌البلاغه، تعداد ۷۷ عبارت که مرتبط با عدالت و دینداری بودند، استخراج گردید. (۳) مشخص کردن رویکرد تحلیل محتوا؛ از تحلیل محتوای جهت‌دار استفاده شد. (۴) طراحی فرآیند رمزگذاری؛ از طرح کدگذاری به صورت قیاسی استفاده شد. (۵) اجرای فرایند رمزگذاری؛ (۶) تعیین اعتبار و پایایی؛ برای کسب اعتبار از روش خودبازبینی پژوهشگر استفاده شد. واحدهای متن استخراج شده، زیرمقوله‌ها و مقولات اصلی جهت تأیید اعتبار برای چند صاحب‌نظر ارسال گردید و از نظرات آن‌ها در مراحل پیاده‌سازی، کدگذاری، و ارائه الگوی نهایی استفاده شد. در ضمن، با ارائه نقل‌قول‌های مناسب در جهت افزایش معیار باورپذیری و قابلیت انتقال‌پذیری پژوهش حرکت گردید (Flick, 2014: 340). (۷) تحلیل یافته‌ها به‌عنوان آخرین مرحله از پژوهش.

۲. بحث

چنان‌که گفته شد، منبع داده‌های تحلیل محتوای حاضر خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه است. داده‌ها بر مبنای دو متغیر دینداری و عدالت اجتماعی مطابق با نظریه‌های بینگر و راسینسکی گردآوری شدند. واحد تحلیل، «عبارت» بوده است. دو متغیر دینداری و عدالت تعریف عملیاتی شدند و برای هر کدام از این دو مفهوم، مقولاتی مشخص گردید و کدهایی از درون این مقولات استخراج شدند و متن نهج‌البلاغه مطابق با این کدهای استخراجی تحلیل محتوا گردید. نتیجه کار این بود که برای مفهوم «دینداری» سه مقوله «ستیزنده، پذیرنده و گریزنده» مشخص گردید و برای هر کدام یک کد به‌ترتیب «واکنش رادیکال، برادری و رفاقت، و آخرت‌گرایی» استخراج شد. برای مفهوم «عدالت اجتماعی» سه

1. Conventional content analysis
2. Summative content analysis
3. Directed content analysis

مقوله «سوسیالیستی، لیبرالیستی و ترکیبی» مشخص گردید و برای هر کدام یک کد به ترتیب «برابری، شایستگی فردی و انصاف» مشخص گردید.

از آنجا که روش تحلیل محتوای کیفی به دنبال کشف معانی نهفته در متن و تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی است، احتمال ایجاد ذهنیت تفسیر سلیقه‌ای متن و انتخاب سوگیرانه عبارات جهت انطباق با کدهای نظری وجود دارد که این امر با فرایندهای عینی طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده کنترل می‌گردد. لذا در تمام طول مراحل کار، عبارات متن در انطباق با کدهای تعریف شده تفسیر می‌گردند نه ذهنیت محض محقق که به کار تحقیقی خصلت علمی و روشمند می‌دهد. بر این اساس، از میان همه خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه تعداد ۷۷ عبارت شامل ۴۴ عبارت از خطبه‌ها، ۲۱ عبارت از نامه‌ها و ۱۲ عبارت از حکمت‌ها مرتبط با متغیرهای دینداری و عدالت اجتماعی استخراج گردید که شماره‌های آن‌ها به تفکیک در جدول شماره (۲) آورده شده است:

جدول ۱: تفکیک عبارات‌های تحلیل محتوا بر طبق خطبه، نامه و حکمت‌های نهج البلاغه

خطبه	نامه	حکمت
۱۰۲،۱۲۰،۱۹۸،۸۱،۱۱۴،۱۴۲،۱۶۱	۷۰،۵۱،۵۹،۳،۴۱،۵۳،۲۰،۵۳،	۱۰۶،۱۳۰،۱۰۴،
۲۳۰،۱۲۹،۱۲۹،۱۵،۱۶،۲۱۵،۲۲۴،۲۳۲	۴۶،۴۸،۲۵،۲۶،۴۶،۴۷،۵۹	۲۰۳،۲۷۰،۲۲۰،۴۳۷،۲۸،
۴۵،۲۹،۳۰،۱۶۶،۹۲،۳۷،۱۳۶،۲۱۶،۱۳۱	۵۱،۶۹،۲۲،۲۷،۴۳،۵۳،	۴۷۶،۲۳۱،۳۴،۴۳۷
۲۴،۸۳،۸۶،۲۳،۶۴،۱۳۸،۱۸۵،۳۳،۸۷،۹۷		
۱۵۷،۱۷۶،۱۹۸،۲۳۰،۱۶،۴۲		
۲۴،۱۲۶،۸۷،۱۱۴		

از این ۷۷ عبارت و نقل قول استخراج شده از متن نهج البلاغه ۳۷ عبارت مرتبط با متغیر دینداری و ۴۰ عبارت مرتبط با متغیر عدالت است. ۳۷ عبارت مرتبط با دینداری شامل ۲۵ عبارت از خطبه‌ها، ۷ عبارت از نامه‌ها و ۵ عبارت از حکمت‌ها است. ۴۰ عبارت مرتبط با عدالت اجتماعی شامل ۱۹ عبارت از خطبه‌ها، ۱۴ عبارت از نامه‌ها و ۷ عبارت از حکمت‌ها است. این ۷۷ عبارت از دو متغیر دینداری و عدالت اجتماعی که هر کدام دارای سه مقوله و سه زیرمقوله هستند در جدول شماره ۲ و ۳ رمزگذاری می‌شوند تا معنا و ذهنیت مستتر در عبارات مطابق نظریه‌های موجود به شیوه‌ای نظام‌مند و علمی کشف و تفسیر گردند.

۲-۱. تحلیل محتوای مقوله دینداری بر اساس مقولات نظریه بینگر

مطابق نظریه بینگر، دینداری به سه نوع پذیرنده، ستیزنده و گریزنده تقسیم می‌شود. عبارات استخراج شده از متن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه بر اساس کدهای تعریف شده از جانب سه مقوله مذکور تفسیر می‌شوند تا جایگاه هر کدام در این طبقات مشخص گردد.

جدول ۲: کدگذاری مقوله دینداری بر مبنای نظریه بینگر

مفهوم	مقولات	کد (زیر مقوله)	نقل قولها
	ستیزنده	واکنش‌های رادیکال	<p>بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند (خطبه/۱۵).</p> <p>در جنگ با کسی که با حق مخالفت کرده و در گمراهی قدم نهاده، سستی نمی‌کنم (خطبه/۲۴).</p> <p>آیا به من امر می‌کنید تا با ستم‌کردن در حق کسانی که بر آنان حکومت دارم پیروزی بجویم؟! تا شب و روز می‌آید و می‌رود و ستاره به‌دنبال ستاره حرکت می‌کند دست به چنین کاری نمی‌زنم (خطبه/۱۲۶).</p> <p>دین را اقامه می‌کنم و نخوت گنهکار را قلع و قمع می‌نمایم و رخنه ترساک مرزها را می‌بندم (نامه/۴۶).</p> <p>برخیز باش از روزی که مسرور می‌گردد کسی که عاقبت کارش را نیکو یافته، و پشیمان شود آن که عنانش را به شیطان داده (نامه/۴۸).</p> <p>مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی‌گویند، جز آن که خدا آنان را به چیزی زیان‌بارتر از آن دچار خواهد ساخت (حکمت/۱۰۶).</p>
دینداری	پذیرنده	ایمان، برادری و رفاقت خودخواه‌نبودن	<p>بدانید مراقبانی از اعضای پیکرتان ناظر شمایند و حساب‌گران راستگو اعمال شما را ثبت می‌کنند (خطبه/۱۵۷).</p> <p>سوگند به خدا ملتئی عیش زندگی را از دست ندادند مگر به‌خاطر گناهایی که مرتکب شدند (خطبه/۱۷۶).</p> <p>تقوا و ترس از خدا، داروی بیماری‌های قلوب، بینائی دل‌ها، شفای آلام جسمانی، صلاح و مرهم زخم‌های جان‌ها، پاکیزه‌کننده آلودگی ارواح... (خطبه/۱۹۸).</p> <p>زاهدان گروهی از مردم دنیایند که دنیاپرست نمی‌باشند، پس در دنیا زندگی می‌کنند اما آلودگی دنیاپرستان را ندارند، در دنیا با آگاهی عمل می‌کنند... (خطبه/۲۳۰).</p> <p>اضافه‌تر از حقی که خداوند در مالش قرار داده از او نگیرد. غیر از کسی که به او اعتماد داری بر آن‌ها امین قرار مده (نامه/۲۵).</p> <p>امر می‌کنم که مردم را نرنجانند، و همین که حاکم شد از آنان روی نگرداند، چه آنان برادران دینی، و در استخراج حقوق یار و مددکارند (نامه/۲۶).</p> <p>احدی را به‌خاطر نیازش نرنجانید و او را از خواسته‌اش منع ننمایید. برای گرفتن درهمی کسی را تازیانه نزنید، به مال احدی از مردم دست‌درازی نکنید (نامه/۵۱).</p> <p>برای دوری از فتنه، در خانه‌ها بمانید، امور بین خود را اصلاح کنید، توبه پیش روی شماست (خطبه/۱۶).</p> <p>ای مردم، ترسناک‌ترین چیزی که بر شما می‌ترسم دو چیز است: یکی پیروی هوای نفس، و دیگری بی‌مرز بودن آرزو (خطبه/۴۲).</p> <p>ای مردم به‌کجا می‌روید؟ و شما را به‌کجا برمی‌گردانند؟ در حالی که پرچم‌های هدایت برپاست و نشانه‌ها واضح است، و علامت درستی منصوب است (خطبه/۸۷).</p> <p>تقوای الهی اولیاء خدا را از دچار شدن به حرام‌ها بازداشت، دل‌های‌شان را ملازم ترس از خدا کرد تا به شب زنده‌داری واداشت و... موفق به روزه نمود (خطبه/۱۱۴).</p>
	گریزنده	آخرت‌گرایی	<p>از خدا پروا کنید و از خدا به خدا بگریزید... اگر در دنیا پیروز نشوید علی‌ضامن پیروزی شما در آخرت است (خطبه/۲۴).</p> <p>به‌خدا قسم یاد مرگ مرا از بازی باز می‌دارد و نسیان آخرت انسان را از گفتن حق مانع می‌شود (خطبه/۸۳).</p> <p>محبوب‌ترین بندگان در پیشگاه خداوند بنده‌ای است که خداوند به تسلط بر نفسش او را یاری داده، خوف از عذاب را تن‌پوش خویش، پس روز قیامت را بر خود نزدیک و</p>

<p>سختی را بر خویش آسان نموده (خطبه/۸۶).</p> <p>کسی که برای غیر حق عمل کند خداوند او را برای دریافت مزد به همان غیر واگذار کند. رتبت شهیدان، و هم‌نشینی با انبیا را از خدا خواهانیم (خطبه/۲۳).</p> <p>خداوند در آنچه مقدر نموده اشتباهی بر او وارد نگشته، بلکه کارش استوار و علمی است محکم (خطبه/۶۴).</p> <p>دنیا خانه‌ای است که فنا بر آن مقدر شده و بر اهلس کوچیدن حتم گشته. از این دنیا با بهترین توشه‌ای که فراهم نموده‌اید کوچ کنید (خطبه/۴۵).</p> <p>فراوانی آن چه که شما را خوشایند است فریب‌تان ندهد، زیرا آن چه از دنیا با شما خواهد بود اندک است (خطبه/۱۰۲).</p> <p>عمل کنید برای روزی که ذخیره‌ها برای آن اندوخته شود و پنهان‌ها در آن آشکار گردد (خطبه/۱۲۰).</p> <p>شما را به ترس از خدایی توصیه می‌کنم که آفرینش‌تان را آغاز کرده و به سوی او بازگشت می‌کنید. خدائی که آخرین نقطه امید و میل شما اوست (خطبه/۱۹۸).</p> <p>دنیا خانه‌ای که ابتدایش سختی و سرانجامش نیستی است. آن که در طلبش کوشید به آن دست نیافت، و آن که زحمتی نکشید خود به او روی نمود. هر که به‌دیده عبرت به آن نگرست او را بینا کرد (خطبه/۸۱).</p> <p>راحتی فردا را با سختی امروز و سیراب‌شدن فردا را با تشنگی امروز به‌دست آوردند، مرگ را نزدیک دانستند پس به انجام عمل شتافتند (خطبه/۱۱۴).</p> <p>... دستیابی به این خصلت‌ها شرف و کرامت در دنیا و دستیابی به فضائل آخرت است اگر خدا بخواهد (خطبه/۱۴۲).</p> <p>ای بندگان خدا شما را به تقوا و اطاعت خداوند توصیه می‌کنم که موجب رستگاری فردا و نجات ابدی است (خطبه/۱۶۱).</p> <p>به آن چه از آخرت به آن رسیده‌ای شاد باش و به آن چه از آخرت از دست‌رفته به غم بنشین... (نامه/۲۲).</p> <p>زاهدان گروهی از مردم دنیا هستند که در دنیا زندگی می‌کنند اما آلودگی دنیاپرستان را ندارند (خطبه/۲۳۰).</p> <p>بترس از این که مرگ بر تو درآید و تو در آن وقت برای به‌دست آوردن دنیا از خداوند فراری باشی (نامه/۶۹).</p> <p>ای خفتگان در خاک... شما پیش از ما رفتید و ما در پی شما روانیم، و به شما خواهیم رسید (حکمت/۱۳۰).</p> <p>خوشا به حال آنان که از دنیای حرام چشم پوشیدند و دل به آخرت بستند! (حکمت/۱۰۴).</p> <p>ای مردم! برای مرگی آماده باشید که اگر از آن فرار کنید شما را می‌یابد، و اگر بر جای خود بمانید شما را می‌گیرد و اگر فراموش کنید شما را از یاد نبرد (حکمت/۲۰۳).</p> <p>مغروری که به دنیا ظفر یافته بلندهمت‌تر از آن کسی نیست که به کمترین سهم از آخرت دست پیدا کرده است (حکمت/۳۷۰).</p>		
---	--	--

یافته‌های پژوهش از متن نهج البلاغه نشان می‌دهد که از مجموع ۷۷ عبارت استخراجی ۳۷ مورد آن به شاخص‌های سه‌گانه دینداری بینگر مربوط است و از این ۳۷ عبارت کدگذاری شده ۲۰ عبارت نمایانگر دینداری گریزنده، ۱۱ عبارت دینداری پذیرنده و ۶ عبارت نمایانگر دینداری ستیزنده است. بنابراین، تحلیل محتوای متن نهج البلاغه نشان می‌دهد که دینداری گریزنده با آرزوی رسیدن به جهان اخروی دارای

بیشترین فراوانی و گرایش فکری مسلط است، دینداری پذیرنده با ۱۱ عبارت و اندیشه اصلاح نقایص زندگی روزمره در مرتبه دوم، و دینداری ستیزنده با ۶ عبارت و مخالفت سفت و سخت با نظم موجود کمترین گرایش را در اندیشه دینی علی(ع) دارد.

۲-۲. تحلیل محتوای مقوله عدالت بر اساس نظریه راسینسکی

مطابق نظریه راسینسکی، سه نوع نگرش نسبت به عدالت وجود دارد که خواهان برابری توزیع منابع، ارجحیت استحقاق فردی و پذیرش استحقاق فردی در عین استحقاق فردی توأم با استقرار نظام توزیع منصفانه مزایا برای جبران کمبودهای اقشار ضعیف جامعه می باشد. مطابق روال تحلیل محتوای جهت‌دار متن نهج البلاغه از میان خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها مورد بررسی قرار گرفت تا عبارات مرتبط با کدهای استخراجی دریافت گردند.

جدول ۳: کدگذاری مفهوم عدالت بر مبنای نظریه راسینسکی

مفهوم	مقوله	کد (زیر مقوله)	عبارت
عدالت	سوسیالیستی	برابری، نیاز	<p>عده‌ای از مسلمانان بر حضرت خرده گرفتند که چرا بیت‌المال را بین بزرگان و اشراف و فقرا مساوی بخشیده. امام در پاسخ فرمود: «مرا فرمان می‌دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن درباره آن که والی اویم؟ به خدا که نپذیرم تا جهان سرآید (خطبه/۱۲۹).</p> <p>با مردم فروتن باش. مهربان باش. گشاده‌رو و خندان باش. در نگاه‌هایت به مردم، به‌تساوی رفتار کن (نامه/۲۷).</p> <p>بدان! مسلمانانی که نزد تو و ما به‌سر می‌برند، حق‌شان از این غنیمت یکسان است (نامه/۴۳).</p> <p>در نگاه و سلام و اشاره‌کردن با همگان یکسان باش، تا زورمندان در تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مایوس نگردد (نامه/۴۶).</p> <p>جز کشنده من کسی دیگر نباید کشته شود. اگر من از ضربت او مردم، او را تنها یک ضربه بزنی (نامه/۴۷).</p> <p>کار مردم در آن‌چه حق است نزد تو یکسان باشد (نامه/۵۹).</p> <p>آنان عدالت را شناختند و دیدند و به‌گوش سپردند و دانستند که مردم در میزان عدالت، برابرند (نامه/۷۰).</p> <p>حاجت کسی را روا ناکرده مگذارید، و او را از مطلوبش بازمدارید و برای گرفتن خراج، پوشش زمستانی و تابستانی رعیت را مفروشید... (نامه/۵۱).</p> <p>اگر رای زمامدار دچار دگرگونی شود، او را از اجرای عدالت باز می‌دارد. کار مردم در آن‌چه حق است نزد تو یکسان باشد (نامه/۵۹).</p>
	لیبرالیستی	شایستگی فردی	<p>بخشیدن مال به آن‌ها که استحقاق آن را ندارند، اسراف است (خطبه/۱۲۹).</p> <p>چون دانه که در غربال ریزند، روی هم خواهید ریخت، زیر و رو خواهید شد. آنان که سابقه‌ای در اسلام داشتند و تاکنون منزوی بودند، بر سر کار می‌آیند و آن‌ها که به ناحق پیشی گرفتند، عقب زده خواهند شد (خطبه/۱۶).</p> <p>به‌خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آن‌چه زیر آسمان‌هاست به من دهند تا پروردگار را نافرمانی کنم و پوست جوی را به‌ناروا از دهان مورچه‌ای بگیرم، چنین نخواهم کرد (خطبه/۲۱۵).</p> <p>برادرم عقیل را دیدم که به‌شدت تهیدست شده و از من درخواست داشت تا</p>

<p>یک من از گندم های بیت‌المال را به او ببخشم. پنداشت که با رفتار دلخواه او، از راه و رسم عادلانه خود دست بر می‌دارم. روزی آهنی را در آتش گذاخته به جسمش نزدیک کردم و به او گفتم: ای عقیل، تو از حرارت ناچیزی می‌نالی و من از حرارت آتش الهی ننالم (خطبه/۲۲۴).</p> <p>این مال نه از آن من است و نه از آن تو. بلکه غنیمتی گردآمده از مسلمانان است. اگر تو در جهاد همراه‌شان بودی، سهمی چونان سهم آنان داشتی، وگرنه دسترنج آنان خوراک دیگران نخواهد بود (خطبه/۲۳۲).</p> <p>به من خبر دادند خانه‌ای به ۸۰ دینار خریدهای و سندی برای آن نوشته‌ای. این شریح اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران و یا پول حرام نخریده باشی که آن‌گاه خانه دنیا و آخرت را از دست دادی (نامه/۳).</p> <p>آن که تن به ذلت داده است، نمی‌تواند ستم را دفع کند و حق، جز با تلاش به‌دست نمی‌آید (خطبه/۲۹).</p> <p>حق شما بر من این است که از خیرخواهی شما دریغ نکنم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم (خطبه/۳۰).</p> <p>اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی از من روی خوش نمی‌دیدند تا آن‌گاه که حق را از آن‌ها بستانم (نامه/۴۱).</p> <p>به من خبر رسیده که کشت زمین‌ها را برداشته و آن‌چه را که می‌توانی گرفته و آن‌چه در اختیار داشتی، به خیانت خورده‌ای، پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست (نامه/۴۰).</p> <p>داوری با گمان بر افراد مورد اطمینان، دور از عدالت است (حکمت/۲۲۰).</p> <p>مرد را سرزنش نکنند که چرا حق‌اش را با تأخیر می‌گیرد، بلکه سرزنش در آنجاست که آن‌چه حق‌اش نیست بگیرد (خطبه/۱۶۶).</p> <p>عدل هر چیزی را در جای خود می‌نهد اما بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است (حکمت/۴۳۷).</p> <p>امام ابوذر غفاری را چنین تعریف می‌کند: تا پیش قاضی نمی‌رفت دلیلی مطرح نمی‌کرد، و کسی را که عذری داشت سرزنش نمی‌کرد. تا آن‌که عذر او را می‌شنید. آن‌چه عمل می‌کرد می‌گفت و بدان‌چه عمل نمی‌کرد چیزی نمی‌گفت، بر شما باد روی آوردن به این ارزش‌های اخلاقی (حکمت/۲۸).</p>		
<p>عدالت را بگستران و از بی‌انصافی بر حذر باش که بی‌انصافی کردن با مردم آنان را آواره می‌کند (حکمت/۴۷۶).</p> <p>بر اساس آن‌چه که می‌دانم با شما رفتار می‌کنم و به گفتار این و آن، و سرزنش سرزنش‌کنندگان، گوش فرا نمی‌دهم (خطبه/۹۲).</p> <p>و باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری که نه از حق بگذرد و نه فرو ماند و عدالت آن فراگیرتر بود (نامه/۵۳).</p> <p>خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را باز گردانم و فرد قوی در نزد من ناتوان است تا حق او را بازستانم (خطبه/۳۷).</p> <p>داد ستم‌دیده از ظالم ستمگر بستانم و مهار ستمگر را بگیرم و به آب‌خور حق وارد سازم، گرچه تمایل نداشته باشد (خطبه/۱۳۶).</p> <p>بزرگ‌ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم به رهبر است. مردم اصلاح نمی‌شوند مگر به اصلاح حاکمان و حاکمان اصلاح نمی‌شوند مگر به پایداری مردم (خطبه/۲۱۶).</p> <p>خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد. عدل، مراعات انصاف است (حکمت/۲۳۱).</p>	انصاف	رالزی

<p>اگر مرا خبر رسد که تو در بیت‌المال اندک یا بسیار خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت گیرم که اندک مال مانی و پریشان حال (نامه/۲۰).</p> <p>آن چه بیشتر دیده‌ام و البان بدان روشن است، برقراری عدالت در شهرها و میان رعیت، دوستی پدیدشدن است (نامه/۵۳).</p> <p>روز انتقام از ظالم، سخت‌تر از روز ستمکار بر مظلوم است (حکمت/۳۴).</p> <p>عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است (حکمت/۴۳۷).</p> <p>نشانه‌های دین را در جای خودش قرار دهم و شهرها را اصلاح کنم تا مردم ستمدیده در امنیت قرار گیرند (خطبه/۱۳۱).</p> <p>فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمامداری حاکمیت پیدا می‌کند، او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نماید (خطبه/۱۳۸).</p> <p>خداوند میان مخلوقات به عدل و داد رفتار می‌کند و در اجرای احکام عادلانه فرمان می‌دهد (خطبه/۱۸۵).</p> <p>همین کفش بی‌ارزش نزد من از حکومت بر شما محبوب‌تر است، مگر حقی با آن به پا دارم یا باطلی را دفع نمایم (خطبه/۳۳).</p> <p>عدل را بر خود گماشته و نخستین نشانه آن این که هوس را از دل برداشته، حق را می‌شناسد و به آن عمل می‌کند (خطبه/۸۷).</p> <p>حق را به گوش شما خواندم، نشنیدید، و در آشکار و نهان شما را دعوت کردم، اجابت نکردید، اندر زتان دادم... (خطبه/۹۷).</p>			
--	--	--	--

یافته‌های پژوهش از متن نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که از مجموع ۷۷ عبارت استخراجی ۴۰ مورد آن به شاخص‌های سه‌گانه عدالت اجتماعی راسینسکی مربوط است و از این ۴۰ عبارت کدگذاری شده ۱۷ عبارت نمایانگر عدالت از نوع رالزی، ۱۴ عبارت از نوع عدالت لیبرالیستی و ۹ عبارت از نوع عدالت سوسیالیستی است. بدین ترتیب، عدالت جان رالزی که ترکیبی از برابری و شایستگی فردی است در کنار عدالت لیبرالیستی گرایش فکری مسلط از عدالت در متن نهج‌البلاغه هستند. بدین ترتیب، پیشرفت و آزادی فردی آدم‌ها از یک طرف، و توزیع عادلانه کالاهای اساسی برای کنترل نابرابری‌های اجتماعی از طرف دیگر، مورد تأکید امام اول شیعیان قرار دارد.

نتیجه‌گیری

۱) متغیر دینداری در اندیشه علی(ع) بیشتر ماهیت «گریزنده» دارد و در مرتبه بعدی دینداری «پذیرنده» قرار می‌گیرند. زندگی این‌جهانی نامطلوب تلقی می‌شود و باید با تشکیل جماعت‌های هم‌فکر در جستجوی زندگی متعالی اخروی بود. این دیدگاه با دینداری پذیرنده دارای وجوه اشتراک زیاد است از این جهت که هر دو وضع موجود را نامطلوب می‌دانند و هر دو به تشکیل گروه‌های هم‌مشرک بر اساس ایمان و برادری جهت حل مشکلات معتقدند. اندیشه علی(ع) تنها در نامطلوبی وضع موجود با دینداری «ستیزنده» همراهی دارد و یافته‌ها نشان می‌دهد که ایشان به دنبال نظم‌دهی رادیکال جامعه نیست. دینداری گریزنده علی(ع) به دلیل مفهوم مشترک آخرت‌گرایی با دینداری سنت‌گرایانه ویلیام شپرد اشتراک دارد و دینداری پذیرنده ایشان به دلیل مفهوم مشترک عقل‌گرایی به «تجددگرایی اسلامی» شپرد نزدیک

می‌شود و هر دو با دور شدن از دنیاستیزی و رادیکالیزه‌شدن نگرش دینی در طیف میانه دینداری قرار می‌گیرند دارند. امری که با توجه به اشاعه تفکرات بنیادگرایانه اسلامی در عصر معاصر و جهان اسلام حایز اهمیت است. بدین ترتیب، دینداری علی(ع) نه از شمایل سکولاریسم دولت‌های غربی است و نه اسلام‌گرایی رادیکال فرقه‌های حنبلی خاورمیانه که دیدگاهی بنیادگرا و نظم‌ستیز دارند، بلکه در طیف دینداری سنت‌گرایانه و تجددگرایانه اسلامی قرار می‌گیرد که در عین رسیدن به آرزوی سعادت آن‌جهانی نسبت به نظم موجود بی‌تفاوت نیست و در جهت حل مشکلات زندگی این‌جهانی حرکت می‌کند.

۲) عدالت اجتماعی در اندیشه علی(ع) بیشتر از نوع «تلفیقی» (رالزی) است که در عین تأکید بر اصل برابری خواهان توجه به شایسته‌های فردی و آزادی‌های اساسی انسان‌ها است مشروط به این‌که به زیان محرومان جامعه تمام نشود. از این جهت، عدالت اجتماعی مورد نظر ایشان از نوع «حق‌گرایانه» است و بر جمع حقوق فردی و اجتماعی تأکید می‌کند. عدالت «لیبرالیستی» در مرتبه بعد و البته نزدیک قرار می‌گیرد که با تأکید صرف بر فردیت تنها به برابری فرصت‌ها توجه می‌کند و از انصاف غفلت می‌ورزد. این بعد اندیشه لیبرالیستی البته با غلبه دیدگاه رالزی در اندیشه علی(ع) تعدیل می‌گردد و در جهت توازن میان برابری و آزادی حرکت می‌کند. بدین ترتیب، دیدگاه امام اول شیعیان با تسلط منفردانه هر دو نوع اصلی سیاست‌های مسلط جهان معاصر، یعنی دولت‌های سوسیالیستی و لیبرالیستی، ناسازگار است و خواهان تلفیق آنها در قالب یک مدل مفهومی است.

۳) ارتباطی هماهنگ میان دینداری و عدالت اجتماعی در نظام فکری علی(ع) وجود دارد به این صورت که علی(ع) در هر دو متغیر دیدگاهی میانه و متوازن دارد. دینداری او گریزنده-سنت‌گرا و پذیرنده-تجددگرا است. در دینداری هم به آخرت توجه می‌کند و هم به مقتضیات زندگی روزمره. عدالت او هم ترکیبی است از برابری و آزادی و در جهت توازن حقوق فردی و جمعی سوق می‌یابد. بدین ترتیب، علی(ع) با دیدگاه متوازن خود درباره عدالت اجتماعی که امری مربوط به زندگی این‌جهانی است در جهت توازن دینداری متوازن گریزنده-پذیرنده حرکت می‌کند.

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۷۰). **مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی**. ترجمه باقر پرهام. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- ارسطو. (۱۳۹۳). **سیاست**. ترجمه حمید عنایت. تهران: امیرکبیر.
- احمدی، علی اصغر. (۱۳۹۰). «عدالت اجتماعی در نهج البلاغه: زمینه‌ها، موانع و دستاوردها». **معرفت**. سال ۲۰، شماره ۱۲، ۹۳-۱۱۰.
- احمدی، علی اصغر. (۱۳۹۱). **عدالت اجتماعی در نهج البلاغه**. قم: بوستان کتاب.
- افروغ، عماد. (۱۳۷۷). **فضا و جامعه: فضا و نابرابری اجتماعی: ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن**. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- بی، ارل. (۱۳۸۱). **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (نظری - عملی)**. ترجمه رضا فاضل. تهران: سمت.
- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۵). «تحلیل مبانی منطقی طراحی سیستم‌های خطمشی گذاری معطوف به عدالت: مقایسه آموزه‌های نهج البلاغه و برخی از مکاتب فلسفی سیاسی». **مدرس علوم انسانی**، دوره ۱۰، شماره ۴، ۱۷-۴۲.
- تقوایی، مسعود و قنبری، سیروس. (۱۳۸۵). «عدالت، اشتغال و امنیت اجتماعی». **اطلاعات سیاسی اقتصادی**. شماره ۳۱، ۹۴-۱۰۵.
- تیندر، گلن. (۱۳۷۴). **تفکر سیاسی**. ترجمه محمود صدری. تهران: علمی و فرهنگی.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد. (۱۳۸۷). **شرح غرر الحکم و درر الحکم**. قم: تبیان.
- خوانساری، علی. (۱۳۹۴). **مطالعه تطبیقی عدالت در نهج البلاغه و اندیشه جان رالز**. استاد راهنما: اکبر اشرفی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. دانشکده علوم سیاسی.
- درخشه، جلال. (۱۳۹۱). «نسبت اخلاق و سیاست از دیدگاه امام علی(ع)». **سیاست**. دوره ۴۲، شماره ۳، ۳۷-۵۵.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۴). **صور ابتدایی حیات دینی**. ترجمه نادر سالارزاده. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ذوالفقاری، ابوالفضل و حسن زمانی، زهرا. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه نوع دینداری با نگرش به عدالت اجتماعی». **برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**. دوره ۵، شماره ۲۰، ۹۳-۱۲۴.
- رالز، جان. (۱۳۸۳). **عدالت به مثابه انصاف: یک بازگویی**. ترجمه عرفان ثابتی. تهران: ققنوس.
- دشتی، محمد. (۱۳۷۹). **ترجمه نهج البلاغه**. قم: پارسایان.
- شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۸۴). «مدلی برای سنجش دینداری در ایران». **جامعه‌شناسی ایران**. دوره ۶، شماره ۱، ۳۴-۶۶.
- شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۹۱). «روند شکل‌گیری دینداری». **علوم اجتماعی**. سال نهم، شماره ۲، ۷۷-۱۰۲.
- صالحی امیری، سید رضا و رضایی، زهره. (۱۳۷۸). «بررسی مفهوم عدالت اجتماعی». **پژوهشنامه عدالت اجتماعی**، شماره ۲۶، ۳۷-۱۱.

- علمی، قربان. (۱۳۹۵). «عدالت اجتماعی در نهج البلاغه». پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۴۹، شماره یکم، ۵۷-۹۰.
- کلاتری، کیومرث و نوری، فاطمه. (۱۳۹۶). «عدالت محاسبه‌گر در نهج البلاغه». پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره ۱۸، ۷۷-۹۷.
- کویره، الکساندر. (۱۳۶۰). **سیاست از نظر افلاطون**. ترجمه امیرحسین جهانگل. تهران: خوارزمی.
- گنجی، محمد. (۱۳۸۳). **تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشجویان اصفهان**. کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- فورست، اینگر. (۱۳۹۰). «دین در حوزه عمومی». ترجمه مجید جعفریان. **هفت آسمان**. سال ۱۳، شماره ۴۹، ۱۴۵-۱۶۹.
- معمار، ثریا. (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم عدالت از دیدگاه حضرت علی(ع)». **شیعه‌شناسی**. دوره ۱۲، شماره ۴۷، ۴۷-۷۸.
- میرسندسی، محمد. (۱۳۸۳). **سنجش میزان و انواع دینداری در میان دانشجویان**. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس.
- واعظی، احمد. (۱۳۸۳). **نقد و بررسی نظریه‌های عدالت**. قم: موسسه امام خمینی.
- ناقد، خسرو. (۱۳۸۶). «نکاتی پیرامون عدالت». **روزنامه اعتماد**. هشتم بهمن ماه. شماره ۱۶۰۱.
- هزارجریبی، جعفر. (۱۳۹۰). «بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل موثر بر آن: مطالعه موردی شهر تهران». **جامعه‌شناسی کاربردی**. سال ۲۲، شماره ۳، ۴۱-۶۲.
- Allport, G. W. & Ross, J. M. (1967), "Personal Religious Orientation and Prejudice", **Journal of Personality and Social Psychology**, Vol 5, 432-443.
- Eldredge, R. A. (2006), **Relationship between religious orientation, religious beliefs, and social justice**, Phd dissertation, Southern Illinois University Carbondale.
- Flick, Uwe. (2014). **An Introduction to Qualitative Research**, Sage Publications Ltd.
- Glock, C. (1962). "Religious Education: On the Study of Religious Commitment", **Survey Research Center**, University of California, Berkeley, Volume 57, Issue 4, 98-110.
- Glock, C. and Stark, R. (1965). **Religion and Society in Tension**, US, Rand McNally & Company.
- Glock, Charles Y. (1972). "On the Study of Religious Commitment". In Faulkner, Joseph E. (ed.). **Religion's Influence in Contemporary Society: Readings in the Sociology of Religion**. Ohio: Charles E. Merrill Publishing Co. pp. 38-56.
- Gunn, B. (2010), **Religion, justice are connected**, in: <https://bangordailynews.com>.
- Hsieh, H. F. & Shannon, S. E. (2005), "Three approaches to qualitative content analysis", **Qualitative health research**, 15(9), 1277-1288.

-
- Lenski, G. (1961). **The Religious Factor: A Sociological Study of Religion's Impact on Politics, Economics, and Family Life**, Garden City, New York: Doubleday and Company, Inc.
 - Mayring P. (2000). "Qualitative Content Analysis", **Forum Qualitative Sozialforschung (FQS)**, Volume 1, No. 2, Art. 20, 1-18.
 - Mische, Patricia M. (2007). "The Significance of Religions for Social Justice and a Culture of Peace", **Journal of Religions, Conflict and Peace**, Vol. 1, Issue 1, 1-20.
 - O'Neill, Sh. (2005). **Critical theory, democratic justice and globalization**, koninklijke brill NV, Leiden press.
 - Potter, W. J. and Levine-Donnerstein, D. (1999). "Rethinking Validity and Reliability in Content Analysis", **Journal of Applied Communication Research**, Vol 27, 258-284.
 - Shepard, E. W. (1987). "Islam and Ideology: Towards a typology International", **Journal of Middle East Studies**, Vol. 19, 307-336.
 - Silver, M. (1989). **Foundations of Economics Justice**, Basil Blackwell.
 - Rasinski, K. A. (1987). "What is Fair is Fair-or-is it", **Journal of Personality and Social Psychology**, No. 53, 201-211.
 - Yinger, J. M. (1970). **The Scientific Study of Religion**, New York: Macmillan.
 - Zhang, Y. & Wildemuth, B. M. (2007). **Qualitative Analysis of Content**, In ils, Unc. Edu.